امتیاز
روزنامه صبح ایران

یادداشت

سلفی با سقوط

علیرضا مویدی‌فر

گهی خوش‌دل شوی از من، که میرم
چرا مرده پرست و خصم جانیم؟ مولانا

اتفاق مهمی رخ داد که به هیچ روی، غیرمنتظره نبود. سپیدرود سقوط کرد و به فراموش‌خانه دسته دوم سلام گفت. بی‌تردید از امشب، بسیاری در فراق سپیدرود و درباب ریشه و اصالت و داشته‌ها و نداشته‌هایش، مویه خواهند کرد. اما مگر انتظاری جز این بود؟ گوش‌های بسته و مغزهای پوسیده، در تمام سه سالی که گذشت، روی از هرچه تحلیل و توجیه و منطق و راه‌کار برای رهانیدن سپیدرود از چنین سرنوشت محتومی، برگرداندند و در وادی روزمرگی‌ها و ای بسا منفعت طلبی‌هایشان روزگار گذراندند و لابلای جملات بسیار و مفاهیم اندکشان، هر لحظه، جاده صاف کن واقعه‌ای شدند که امروز و از پی رخ دادن، چندان غریب نمی‌نماید. سپیدرود سالهاست که سقوط میکند. پیش چشم هوادان مقصرش. همان‌ها که در نقطه اوج، و در خمار مستی لیگ برتری، چشم بر آنچه در زیر پوست تیم رخ میداد بستند و با مطالبه‌گری سطحی و نه حضور تاثیرگذار و معنادار، شاهد نزول پیاپی تیمشان بودند. پیش چشم پیشکسوتانی که بخش مهمی از هویت اجتماعی‌شان را مرهون همین تیم بودند، اما در هنگامه مالک سازی و مدیر بازی، جز اندکی، زبان به اعتراض علیه جریان ویرانگر سپیدرود نگشودند. از امثال نوین و بیات و کریمی و تن‌زاده که انتظاری نیست. بارها و بارها گفتیم و نوشتیم که نمایشهای کمدی تراژیک ایشان، در بازی کثیف مالکیت، هر روز گرهی کورتر بر ریسمان سرنوشت سپیدرود زد. مدیریت سپیدرود حالا کجاست؟ همه آنهایی که در سالیان گذشته، با علم کردن امثال عزیزی و میناوند و پاشازاده و دست‌نشان و نظرمحمدی، بی هیچ دورنما و هدف مشخصی، تنها به گذران روز و آویزان شدن به صدقات فلان سرمایه دار و بهمان شورا نشین، برای مختصری بودجه، آمدند و رفتند، تا همین امروز، باید پاسخگوی رخدادی باشند که پیش چشمانشان درحال وقوع بود و دست بر دست گذاشتند. حکایت صعود سپیدرود به لیگ برتر، اگر همچون داستانی از قصه‌های هزار و یک شب، تەمزه‌ای از معجزه و فانتزی به همراه داشت، روایت سقوطش اما، بسیار واقعی، بی‌رحمانه و قابل پیش‌بینی بود. ولی آنهایی که باید، در هنگامه چنین افتادنی، دستی برای کمک و یاری تیم، برای پیشگیری، دراز میکردند، ترجیح دادند تا از آن دست برای سلفی گرفتن با سپیدرود رو به احتضار بهره بگیرند.در هرحال، فردا روز دیگری است. اگر بناست تا با افتادن سپیدرود در این ورطه، تصمیم سازان و صاحبان امر، سرانجام برای حل پیچیدگی‌های تیم، حرکتی بکنند، فردا اولین روز از اجرای پروژه بازگشت سپیدرود خواهد بود. اما اگر بناست که در همچنان بر پاشنه همین افراد و همین افکار بچرخد، سقوط‌ها و سلفی‌های بعدی در راهند.از سپیدرود خروشان، با ماهی‌هایی که برایش سر میدادند، نهری نحیف باقی مانده و انبوه مردمانی که انگار، به خاطره‌بازی‌هایشان قانع شده‌اند و مرده پرستانی که از امشب، صدای نفیر روان‌کاهشان، به گوش خواهد رسید. اما تیم فوتبال سپیدرود رشت، تنها خاطره نخواهد ماند. ققنوسی خواهد شد و از خاکستر امشب برخواهد خواست. اگر آنها که "باید"، دست بجنبانند.

گمشده لیگ کمی احترام

آرمن ساروخانیان

چند روز مانده به جشن قهرمانی پرسپولیس در ورزشگاه آزادی این بحث مطرح شد که آیا بازیکنان ذوب‌آهن باید تونل افتخار تشکیل بدهند یا نه؟ باشگاه ذوب‌آهن سرانجام با این موضوع موافقت کرد ولی ساعاتی مانده به بازی آنها به دلیل اعتراض هواداران اصفهانی منصرف شدند.

یکی از نزدیکان باشگاه در این باره گفت: «فشار فوق‌العاده‌ای به ما وارد شد. فشار در حدی بود که اردوی ما در بعدازظهر به هم خورد. مدام تلفن بازیکنان زنگ می‌خورد و پیام‌هایی روی صفحات شخصی آنها می‌آمد. همچنین اعضای روابط عمومی و مسئول اینستاگرام باشگاه نیز پیام‌های مختلفی را از طرف هواداران دریافت کردند که آنها را از انجام کاری که قرار بود انجام بشود، منع می‌کرد. در نهایت هم مدیریت باشگاه تصمیم گرفت که موضوع تونل افتخار را بایگانی کند.» تونل افتخار در برخی کشورها مرسوم است ولی برای آنکه در ایران هم جا بیفتد باید تمام تیم‌ها و هواداران آن را بپذیرند. مفهوم تونل افتخار، احترام به تیمی است که در یک فصل تلاش کرده و موفق شده بالاتر از رقیبانش به مقام قهرمانی برسد. در واقع پیش‌نیاز برپایی چنین مراسمی این است که تمام تیم‌ها در کنار رقابتی که در زمین دارند، به نتایج و دستاوردهای یکدیگر احترام بگذارند. پرسپولیسی‌ها بر این باورند که در لیگ نوزدهم قهرمانی شایسته بوده‌اند و از ذوب‌آهن انتظار داشتند با تشکیل تونل افتخار به دستاورد آنها احترام می‌گذاشت. چنین انتظاری زمانی می‌تواند منطقی باشد که پرسپولیس هم حرمت رقیبانش را حفظ کند ولی تصویری از جشن قهرمانی منتشر شد که نشان می‌داد آنها هم چنین اعتقادی ندارند. در طرح موزائیکی که این باشگاه آماده کرده بود و روبه‌روی جایگاه نقش بست، تصویر فردی بود که با علامت «هیس» رقیبان را به سکوت دعوت می‌کرد. در چنین فضای متشنجی که قهرمان در روز جشن می‌خواهد برای دیگران رجز بخواند، طبیعی است که هواداران اصفهانی هم علاقه‌ای نداشته باشند تیم شهرشان تونل افتخار تشکیل بدهد. این پرخاشگری تنها به اتفاقات بازی جمعه شب محدود نمی‌شود و لیگ نوزدهم پر از اتفاقات مشابه بود. شاید در این لیگ رکورد بیانیه‌نویسی هم شکسته شد و بارها تیم‌هایی که به نتیجه دلخواه نرسیده بودند، با انتشار بیانیه اتهامات مختلفی را به حریف، داوران و مسئولان برگزاری نسبت دادند. در فوتبال ایران متأسفانه احترام بین باشگاه‌ها به حداقل رسیده و مدیران، مربیان و بازیکنان هم کمتر در این مسیر تلاش می‌کنند. آنچه در مصاحبه‌ها و پست‌های آنها می‌بینیم، تحت تأثیر جو متعصبانه فضای مجازی است که فرمان آن را معمولاً هواداران نوجوان و احساسی در اختیار دارند. مدیران باشگاه و پیشکسوتان گاهی به جای اینکه با نظرات منطقی و کنترل شده فضا را به سوی عقلانیت و اعتدال ببرند، برای جذب فالوئر، بازگشت به جلد روزنامه‌ها یا کسب محبوبیت بیشتر وارد بازی هواداران می‌شوند.

تشکیل تونل افتخار برای تیم قهرمان رسم جالبی است و می‌توان در ایران هم به تشکیل آن فکر کرد ولی پیش‌نیازش این است که باشگاه‌ها از این فضای پرتنش فاصله بگیرند و احترام را هم به معادلات فوتبال برگردانند.

مصادره جشن قهرمانی به نفع اسپانسر

ناصر نامدار

جشن پوکر؛ این چیزی بود که پرسپولیسی‌ها مدت‌ها بود روی آن برنامه ریزی کرده بودند. به هر حال اتفاق بزرگی افتاده بود. این که یک تیم بتواند در لیگ ایران ۴ فصل متوالی قهرمان شود چندان مرسوم و متداول نیست. پیش از پرسپولیس که در لیگ‌های شانزدهم تا نوزدهم قهرمان شد، فقط یک بار سپاهان توانسته بود در لیگ‌های نهم و دهم و یازدهم به سه قهرمانی متوالی برسد. انتظار این بود که پرسپولیسی‌ها برای این افتخار بزرگ یک جشن بزرگ و به یاد ماندنی بگیرند. اما هرچه به زمان جشن نزدیک می‌شدیم انتظارها بیشتر به یاس تبدیل می‌شد. حقیقت این است که در فوتبال ایران نمی شود خیلی به رخ دادن اتفاقات بزرگ و خوب دل بست. چرا که مدیریت چه در باشگاه‌ها و چه در سازمان لیگ و فدراسیون فوتبال ایراداتی دارد و اگر قرار باشد برنامه با هماهنگی بیش از یک سازمان برگزار شود احتمال خوب از آب درآمدنش کم است. مثال می خواهید؟ جشن پوکر پرسپولیس! مراسمی که بیشتر شبیه به تبلیغات یک شرکت بود تا جشن قهرمانی!

اشتباهات مدیران پرسپولیس

شاید اولین مقصر خوب از آب درنیامدن جشن قهرمانی خود باشگاه پرسپولیس بود. از همان وقتی که باشگاه اعلام کرد برای برانکو ایوانکوویچ و گابریل کالدرون دعوتنامه فرستاده تا برای جشن به تهران بیایند تردیدها درباره رخ دادن یک اتفاق خوب بیشتر شد. کاملا مشخص بود این دو نفر به جشن نخواهند آمد و مدیریت باشگاه می‌خواست خودش را برای هواداران و البته این دو مربی شیرین کند. این اتفاق حتی باعث شد یحیی گل محمدی برای اولین بار در صفحه شخصی خودش به مدیران باشگاه طعنه بزند. کمی قبل‌تر هم باشگاه از چند بازیکن خواسته بود که درصد قابل توجهی از قراردادشان را تخفیف بدهند. چیزی که باعث ایجاد اختلاف شده بود. در ادامه بازیکنان هم از موضع یحیی حمایت کردند و مشخص شد مدیران باشگاه رابطه خوبی با مربیان و بازیکنان ندارند. مصاحبه تند احمد نوراللهی علیه مدیران باشگاه هم مهر تائیدی بر این اختلاف بود. این اختلاف حتی در جشن قهرمانی هم نمود داشت. ورزش سه در این باره نوشت: «آنچه که در استادیوم به چشم می‌آمد، این بود که رسول پناه تمایل داشت تا خودش جام را به صورت انفرادی یا به همراه سیدجلال بالای سر ببرد. به نظر می‌رسید پس از گفتگوی ابتدایی او با شماره چهار پرسپولیس، سیدجلال به رسول پناه تعارف کرد که این کار را بکند اما لحظاتی بعد خود تصمیم گرفت که جام را بالای سر ببرد و وظیفه کاپیتانی را به شخص دیگری واگذار نکند. این که رسول پناه در متن چنین اتفاق عجیبی قرار گرفته، عجیب و حیرت آور است. حتی اگر او چنین درخواستی را از سیدجلال نداشته باشد، حضورش در آن لحظه کنار بازیکنان پرسپولیس و دنبال کردن جام قهرمانی، نشان می‌دهد که او تا چه حد به لمس جام برای نخستین بار و پیش از بازیکنان علاقه داشته است.»

همه چیز فدای اسپانسر

اگر یادتان باشد در سال ۲۰۱۸ پرسپولیس به فینال لیگ قهرمانان آسیا رسید. بازی برگشت فینال باید در تهران برگزار می‌شد. اما ورزشگاه آزادی ملزومات برگزاری مراسم قهرمانی را نداشت. به همین دلیل AFC از فدراسیون فوتبال ایران خواست ورزشگاه آزادی را برای مراسم فینال تجهیز کند. یکی از اصلی ترین ملزومات، ساخت و آماده سازی سکوی قهرمانی در بخش نزدیک به VIP و CIP ورزشگاه بود. کاری که فدراسیون انجام داد و فینال لیگ قهرمانان آسیا به شکل نسبتا مطلوبی برگزار شد. بنابراین ورزشگاه آزادی فضای مناسب برای برگزاری جشن قهرمانی لیگ نوزدهم را داشت اما تصمیم دیگری گرفته شده بود. گویا سازمان لیگ با یک اسپانسر برای برگزاری مراسم قهرمانی به توافق مالی خوبی رسیده بود و همین باعث شد مراسم جشن و البته پیش از آن بازی پرسپولیس و ذوب آهن به طور دربست در اختیار معرفی و تبلیغ اسپانسر باشد. این اتفاق در حالی افتاد که به دلیل خالی بودن ورزشگاه از حضور تماشاگران، فضای زیاد و مناسبی برای برگزاری هر چه بهتر مراسم وجود داشت اما این فضا به طور کل در اختیار اسپانسر قرار گرفته بود! نصب دو بنر بسیار بزرگ در سکوهای روبروی دوربین اصلی صدا و سیما در بازی پرسپولیس و ذوب آهن حیرت همه را برانگیخت. دورتادور ورزشگاه البته تصاویر تمام قد همه بازیکنان پرسپولیس در فواصل مساوی نصب شده بود اما این تصاویر در مقابل بنرهای تبلیغاتی عظیم اسپانسر جشن اصلا به چشم نمی‌آمد. ایسنا در گزارشی انتقادی در این باره نوشت:«تمام فضاهای کلیدی و درون کادر تصاویر به تبلیغات تلویزیونی اختصاص یافته بود و بنرها و علائم منتسب به پرسپولیس به نقاط کور ورزشگاه و جاهایی که بیننده‌ای نداشت منتقل شد تا سازمان لیگ از شب به یادماندنی سرخپوشان بیشترین استفاده مالی و ابزاری را ببرد و در عوض کمترین حس و حال به بازیکنان، مربیان و هواداران این تیم منتقل شود. در واقع بعد از روند رو به رشد سازمان لیگ در سالیان گذشته در امر برگزار جشن‌های قهرمانی، انتظار برنامه‌ریزی بهتری از سوی مدیران این مجموعه می‌رفت اما با جشنی که برای قهرمانی لیگ نوزدهم برگزار شد و بی‌برنامگی و بی‌سلیقگی از تبلیغات اطراف زمین تا نوع اهدای جام و گوینده مراسم در آن موج می‌زد، باید گفت خامه روی کیک توسط سازمان لیگ خراب شد و به مذاق هیچ کسی جز مسئولان اقتصادی این سازمان خوش نیامد!»

پول مهمتر از جذابیت!

چیزی که بینندگان تلویزیونی این مراسم را بیشتر آزار می‌داد مقایسه جشن قهرمانی پرسپولیس با جشن قهرمانی تیم‌هایی بود هم در چند هفته اخیر در لیگ‌های اروپایی به مقام نخست رسیده بودند. هنوز تصاویر جشن قهرمانی بایرن مونیخ در بوندس لیگا، لیورپول در انگلیس، رئال مادرید در لالیگا و یوونتوس در ایتالیا در اذهان فوتبالدوستان ایرانی باقی مانده است. جشن‌هایی که در عین سادگی بسیار زیبا، منظم و بدون هیچ مشکلی برگزار شدند. در ایران کسی انتظار نداشت جشن قهرمانی لیگ نوزدهم مثل جشنهای بوندس لیگا، لیگ جزیره، لالیگا و سری آ باشد. اما جشن لیگ نوزدهم در پایین‌ترین سطح ممکن برگزار شد. این اتفاق در فضای مجازی هم بازتاب زیادی داشت و افراد و صفحات مختلف، به خصوص پرسپولیسی‌ها، پیشکسوتان و طرفداران این تیم انتقادات زیادی را متوجه سازمان لیگ کردند. موضوع دیگری هم که صدای حاضران در ورزشگاه را درآورد اشتباهات گوینده ورزشگاه آزادی بود. گوینده اسامی بازیکنان به هنگام صدا کردن بازیکنان اشتباهات زیادی داشت. او بوژیدار رادوشوویچ گلر پرسپولیس را بوژادیر خطاب کرد! اما یکی دیگر از آزاردهنده ترین اتفاقات نصب چند ردیف بنر تبلیغاتی دور زمین و حتی کنار دروازه‌های ورزشگاه آزادی بود. سه یا چهار ردیف تابلوهای تبلیغاتی دورتادور زمین نصب شده بود که رنگ‌ها و فونت‌های متفاوت آنها چشم هر بیننده ای را آزار می‌داد. بنرهای بزرگ روی سکوهای روبروی دوربین هم به شدت روی اعصاب بود. مدیران شرکت‌های تبلیغاتی انگار برای‌شان راحتی چشم و اعصاب بیننده مهم نیست. چرا که دیدن این حجم از تبلیغات متنوع و بی‌حساب و کتاب بیشتر دافعه ایجاد می‌کند تا جاذبه یا توجه را. این موضوع وقتی بیشتر به چشم آمد که تلویزیون بعد از جشن قهرمانی پرسپولیس بازی‌های منچستر سیتی – رئال مادرید و یوونتوس – لیون از لیگ قهرمانان اروپا را پخش کرد. در دو ورزشگاهی که این دو مسابقه در آنها برگزار شد فقط یک ردیف تابلوی تبلیغاتی دورتادور زمین دیده می‌شد که اندازه، رنگ و فونت مشخصی داشت و هرگز چشم بیننده را اذیت نمی‌کرد. این البته مربوط به قراردادهای اسپانسری تلویزیون با شرکتهای مختلف است. وگرنه وقتی بازی‌های لیگ قهرمانان آسیا در ورزشگاه آزادی برگزار می‌شود مسئولان جرات اضافه کردن حتی یک «واو» را به تابلوهای تبلیغاتی دور زمین ندارند!

استقلال – سپاهان، نبردی بی‌شباهت!

اردشیر لارودی

می‌خواستیم بپردازیم به اینکه پرسپولیس چه با اقتدار، کارش را در «لیگ نوزدهم» تمام کرد، اما بازی برابر ذوب‌آهن و نتیجه این بازی حواسمان را پرت کرد و سرنخ را از دست دادیم! نتیجه اینکه خود را ملزم دیدیم به بپرسیدن این سؤال: ... آقای پرسپولیس، این چه گلی بود که خوردی؟ توپی که ذوب‌آهن وارد دروازه پرسپولیس کرد، یک مرتبه چشم‌مان را به روی بازی‌های سال آینده لیگ آسیا که پرسپولیس نماینده اول لیگ ایران در آن است، باز کرد! با این دفاع؟ با این گلر؟ یحیی باید فکری بکند! یحیی حتماً فکری می‌کند! یحیی با این اوضاع کنار نخواهد آمد! ما دروازه پرسپولیس را دیدیم که اقتداری ندارد و استحکامی هم و هر آنچه که یک «گلر» درجه اول باید داشته باشد! بازی با ذوب‌آهن نشان داد ... پرسپولیس چه خوب و چه به موقع، قهرمانی‌اش را چهار میخ کرد! قهرمانی پرسپولیس، مصرف داخلی دارد که آن‌هم نتیجه حضور یحیی شناخته می‌شود!

سپاهان، البته که بداقبال

سپاهان باز هم با استقلال روبه‌رو می‌شود! سپاهان یک بار دیگر باید فوتبال متفاوتی انجام دهد! فوتبالی که براساس «تغییر بازی تمام تیم» و نه تعویض کم‌اثر، یا بی‌اثر و یا تأثیر معکوس تنی چند از یارانش پیش برود! قلعه‌نویی باید کنار زمین باشد، بودنی به مراتب مؤثرتر از بودن کنار زمین پیکاری که با نساجی داشت! فوتبال سپاهان برابر نساجی هم بد نبود، با کمی ارفاق می‌توان گفت: خوب هم بود! به‌خصوص پس از دخالت‌های آقای سرمربی که دوباره و چندباره، با بدلکاری نفراتی را جابه‌جا کرد، اما سپاهان برای اینکه به حداقل مورد نظرش برسد و برای آنکه فاتح جام‌حذفی شود، اول باید به استقلال نبازد! دوباره بخوانید: سپاهان باید برای نباختن سه باره، بازی کند و این استقلال را جری‌تر می‌کند! قلعه‌نویی اگر از اقبال بدش بنالد که ۵ بار توپ را به تیر دروازه کوفته است، کاملاً حق دارد ولی یک سؤال هم جواب می‌طلبد: ... آیا «جریان» حفظ توپ و «چرخه» توپ‌گردانی سپاهان، در یک‌سوم انتهایی زمین نساجی، خوب و روان بود؟ آیا سپاهان در ۱۸ قدم حریف «پاسکاری» هم کرد؟ «یک‌ضرب» بازی کردن و سرضرب شوتیدن خوب است، خیلی هم خوب است ولی فرداشب معلوم می‌شود، سپاهان از دو پیکار اخیرش چه استفاده‌هایی در عمل خواهد برد! فرداشب، خواهیم دید که سپاهان و سرمربی‌اش، چگونه دست به انتقاد از خود زده‌اند!

فرهاد یا امیر، رقابتی در همه چیز

استقلال، یک بازی در میان خسته می‌نماید و حالت فرسودگی به‌خود می‌گیرد و از خودش، آیینه دق برای خودش می‌سازد! فرهاد مجیدی که در اولین برخوردش از برخوردهای نوع دیگر را با نمایش مقبولی برد، برابر شهرخودرو به یک تیم «ریکاوری» نشده شباهت داشت و البته که نحوه دروازه‌بانی حسین حسینی، به این روند وارونه قوت بیشتری داد! در استقلال، یکی بزنی یکی هم می‌خوری! مجیدی در هر مسابقه تعداد بیشتری از بازیکنانش را می‌بینند که بازی کردنشان چندانی هم با نبودنشان فرقی ندارد! فرشید اسماعیلی و جلوتر از او فرشید باقری، اگر نفر اول و دوم این پروژه از خود دور افتادن باشند، باید مهدی قایدی را هم به آن‌ها اضافه کرد! گلزنی گه گل‌نزن شده است! وریا غفوری هم در قید یک «باید» نابجا، فضای حرکتی مطلوبش را از دست می‌دهد! مرد که هم نفوذ می‌کرد و هم گل می‌زد و هم پاس گل می‌ساخت، این روزها حرکاتش ساخته و پرداخته نیست! البته او ساختگی هم بازی نمی‌کند مثل عارف غلامی و تا حدودی علی کریمی! هر دو پرتلاش و هر دو کم تأثیر، چرا؟ استقلال محتاج است به نوعی از بازی تمام تیمی که از شدت خستگی، چند پاره‌اش نکند! استقلال «تیمیت» خود را از دست می‌دهد! حتی دیاباته هم در چرخ‌دنده‌های بازی مطلوب استقلال، بازی به بازی، کمتر توپ می‌گیرد و کمتر وارد بازی می‌شود! گلزنی که یگ گلش بس است!

شناسه حریفان

استقلال باید نشاط بازی داشته باشد و سپاهان باید برای اعاده اعتبارش بکوشد! فرهاد مجیدی و امیر قلعه‌نویی، روی ریلی از جنس چشم و هم‌چشمی افتاده‌اند که سودش عاید فوتبال و منفعتش نصیب لیگ برتر خواهد شد! باید دید که این بازی با چه ریتمی آغاز می‌شود و پیش می‌رود! ترسوها در این قبیل بازی‌ها، بختی ندارند! فرداشب، برنده را نحوه انتخاب شیوه بازی حریف تعیین می‌کند! آری نحوه انتخاب بازی حریف: فرهاد و استقلال برای بردن، بازی سپاهان و امیر را معلوم می‌کنند و در حالت برعکس، این امیر است که فرهاد را به بازی مورد نظرش وامی‌دارد!

قهرمان با یک کارنامه معمولی

سعید سرفرازیان

تا پایان مسابقات لیگ برتر در فصل نوزدهم تنها دو هفته باقیست و این در حالیست که قهرمان لیگ مشخص شده است تا با بررسی نتایج جدولی قهرمان و مقایسه با سایر تیم‌ها بیشتر به چند و چون کیفیت بازی‌های ارائه شده توسط سرخ‌پوشان پی ببریم، وقتی آیتم های مختلف در جدول رده بندی لیگ برتر که تیم پیروزی تا اینجای کار به دست آورده مورد بررسی قرار می‌گیرد، آن‌ها یک قهرمان معمولی هستند نه یک قهرمان بلامنازع حتی با وجود اینکه چند هفته زودتر از پایان مسابقات قهرمانی خود را مسجل کرده باشند، برای قهرمان شدن، این تیم باید بیشتر ممنون دار ضعف‌ها و سهل انگاری رقبای خود باشد تا قدرت و اقتدار تیمی خویش،

رقبایی که در بزنگاه های حساس وا داده‌اند و همین موضوع منجر به پیشی گرفتن تیم پیروزی شده است.

برتری در دو آیتم

تیم پیروزی در دو آیتم تعداد بردها و تعداد گل‌های خورده نسبت به سایر رقبا برتری دارد، وگرنه در مابقی آیتم‌های جدول نه تنها برتری ندارد حتی با این نتایج آن‌ها باید به جای صدرنشینی و قهرمانی در کمرکش جدول جا خوش می‌کردند. جدول با ارقام واقعی تکمیل شده و امکان دخل و تصرف و تحریف آن وجود ندارد.

تعداد باخت

تعداد باخت های تیم قهرمان تا قبل از بازی با ذوب آهن یکی دیگر از آیتم هایی بود که تیم پیروزی در آن نسبت به سایر تیم‌ها برتری داشت که با متحمل شدن باخت برابر سبزپوشان اصفهانی در این زمینه با سه تیم دیگر یعنی، استقلال، سپاهان و نفت مسجدسلیمان شریک شدند یقیناً تعداد پنج باخت برای قهرمان در یک جدول ۱۶ تیمی نمی‌تواند جالب توجه باشد چه بسا در دو مسابقه‌ی پایانی لیگ هم تیم پیروزی بازنده شود که اوضاع بدتر هم خواهد شد، اگر بگوییم استقلال و سپاهان تیم‌های مدعی لیگ هستند و پنج باخت هم برای آنان یک نتیجه‌ی نامطلوب است اما نفت مسجدسلیمان که تیمی شهرستانی با امکانات و تجهیزات بسیار بسیار کمتر از پیروزی و نداشتن ریخت و پاش‌های آنچنانی چه؟

گل‌های زده

موضوع بعدی تعداد گل‌های زده‌ی تیم پیروزی است که در ۲۸ مسابقه‌ی برگزار شده موفق به ثمر رساندن ۴۰ گل شده‌اند که نسبت به تیم پیکان که در حال حاضر از کاندیداهای سقوط به دسته پایین تر است تنها پنج گل بیشتر به ثمر رسانده‌اند، در حالیکه سرخ‌پوشان برای تقویت خط حمله‌ی خود هزینه‌های سرسام‌آور و گزافی انجام داده‌اند خرید مهاجمان گرانقیمتی مانند اوساگونا و استوکس بدون گل زده تنها چشمه‌ای از این ریخت و پاش‌هاست چون این تیم به علی‌علی‌پور هم که ابتدای فصل مشتری دست به نقدی از لیگ قطر داشت پول زیادی داد که حتی جمله‌ی معروف وزیر ورزش که گفت حاضر است صندلی خود را بدهد اما علی‌پور را هرگز به خاطر تقویت خط حمله‌ی پیروزی وارد ادبیات فوتبال ایران شد. استوکس فرار کرد با صدها هزار دلار زبان بسته و اوساگونا ماند که کاش او هم فرار می‌کرد چون با این کارنامه‌ی مردود بود و نبودش تاثیری در خط حمله‌ی تیم پیروزی نداشته است.

جدول گلزنان

در جدول گلزنان لیگ برتر هم تا اینجای کار تیم پیروزی گزینه‌ای به عنوان مدعی آقایی گلی ندارد فقط علی‌علی‌پور با ۹ گل در تعقیب مدعیان آقایی گلی است که دیاباته از استقلال با ۱۳ گل صدرنشین و شهریار مغانلو از پیکان ۱۲ گله است. استقلال با تمام فراز و فرودهایی که نصیبش شد و حتی سه بازی حساس را بدون سرمربی به میدان رفت موفق به ثمر رساندن ۵۰ گل شده است که اگر بدشانسی‌ها و تیرک دروازه که ۱۹ بار از گلزنی آبی‌پوشان جلوگیری کرده‌اند اجازه می‌دادند تعداد گل‌های زده استقلال به مرتب بالاتر هم می‌رفت.

حرف آخر

غرض بیان این مطلب آن است که بگوییم که قهرمان لیگ نه تنها در این فصل حتی در فصل قبل هم در حد قهرمان ظاهر نشد که برخی از رسانه‌ها در خرج کردن القاب برای این تیم و دادن لقب به قهرمانی آن‌ها واژه‌های زیادی را بیهوده به کار می‌برند و به نوعی اسراف می‌کنند. یک قهرمان مقتدر و بلامنازع باید در هر زمینه‌ای که شایسته‌ی یک تیم قهرمان مقتدر است برتر و سرتر از تیم‌های دیگر باشد نه اینکه در بسیاری از آیتم های فوتبالی کارنامه‌ی آن با تیم‌های میانه‌ی جدول برابری کند و مقایسه شود. می‌دانیم موضوعاتی که به آن‌ها اشاره شد، از قبیل توپ به تیرک خوردن، اشتباهات و سوتی های مدافعان و دروازه‌بان‌های رقبا و حتی اشتباهات داوری در جریان مسابقه برای همه‌ی تیم‌ها پیش می‌آید اما باور کنید این اتفاقات در بازی تیم پیروزی بالاتر از حد انتظار و تصور است و برای تیمی که مدعی پوکر و قهرمانی های پیاپی است باید نتایج با اتکاء به کارهای تاکتیکی و نقشه‌های فنی شسته و رفته‌تر باشد تا قهرمانی دلچسب و شایسته‌تر باشد.

اخبار

آینده متفاوت سه ستاره

امیر اسدی

شاید اگر از هر فوتبالدوستی بپرسید سه بازیکن بین‌المللی و مطرح فوتبال ایران در مقطع فعلی چه کسانی هستند، بی‌اختیار و بدون درنگ از سردار آزمون، مهدی طارمی و علیرضا جهانبخش نام ببرد. سردار و طارمی در روسیه و پرتغال عنوان آقای گلی را به دست آورده و کفش طلا را پا کرده‌اند و علیرضا جهانبخش نیز یکی از بازیکنان برایتون در لیگ جزیره است که حدود دو فصل قبل چنین عنوانی را در هلند کسب کرده بود. آینده این سه بازیکن، بخصوص حالا که نقل‌وانتقالات تابستانی در آستانه آغاز است، در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. سردار آزمون بعد از قهرمانی با زنیت در لیگ روسیه و جام حذفی، سومین جام خود را همراه این تیم به دست آورد و سوپرکاپ را هم به ویترین افتخارات خود اضافه کرد. زنیت در دیدار سوپرجام روسیه موفق شد با گل‌های آرتم جیوبا و اوزدوئف، لکوموتیو مسکو را با نتیجه ۲-۱ شکست بدهد و سومین جام را نصیب خود کند. سردار در این بازی ۹۰ دقیقه در زمین حضور داشت و بعد از بازی نیز همراه پدر و مادر خود جشن کوچکی را در ورزشگاه به‌پا کرد. آزمون دو فصل دیگر با زنیت قرارداد دارد اما مشخص نیست آیا در نقل‌وانتقالات تابستانی از این باشگاه جدا می‌شود یا نه؟ آیا زنیت به فروش ستاره ایرانی خود رضایت می‌دهد یا همچنان او را حفظ می‌کند؟ نظر سردار در این رابطه چیست؟ آیا او تمام ماجرا را به مدیران زنیت سپرده یا آینده جدیدی برای خود ترسیم کرده؟ اینها سؤالاتی است که فعلاً نه سردار پاسخش را می‌داند و نه مدیران زنیت، بخصوص که این تیم تازه سومین قهرمانی خود را به دست آورده و فعلاً زمان برای مطرح شدن چنین بحث‌هایی وجود دارد. مهدی طارمی اما وضعیت متفاوتی نسبت به سردار آزمون دارد. او بلافاصله بعد از پایان لیگ پرتغال به ایران برگشت و حالا هم اخباری در زمینه توافق این مهاجم با یکی از تیم‌های پورتو یا اسپورتینگ براگا وجود دارد. چند روز قبل اخباری مبنی بر توافق نهایی طارمی و پورتو منتشر شد اما حالا از پرتغال خبر می‌رسد سرمربی سابق ریوآوه که هدایت براگا را بر عهده گرفته، عزم خود را برای جذب این مهاجم جزم کرده است. ابولا پرتغال در این زمینه نوشت: «کارلوس کارواخال که فصل گذشته ریوآوه را به رتبه پنجم جدول لیگ برتر پرتغال و کسب سهمیه مرحله مقدماتی لیگ اروپا رساند، اکنون برای تقویت خط حمله تیم جدیدش یعنی براگا چشم به جذب مهدی طارمی دارد. گویا کارواخال برای انتقال مهدی طارمی شخصاً با رئیس باشگاه ریوآوه تماس گرفته است. البته پورتو قهرمان فصل اخیر لیگ برتر پرتغال که فصل آینده در مرحله گروهی لیگ قهرمانان اروپا حضور خواهد داشت از شانس بیشتری برای جذب مهدی طارمی برخوردار است. حتی مذاکره اولیه میان دو باشگاه پورتو و ریوآوه در این مورد نیز صورت گرفته است.» درباره طارمی می‌توانیم این پیش‌بینی را بکنیم که او به یکی از دو تیم براگا یا پورتو می‌رود و فوتبال خود را همچنان در پرتغال ادامه می‌دهد.نفر سوم اما علیرضا جهانبخش است. ستاره ایرانی برایتون در گفت‌وگویی مدعی شد همچنان در این باشگاه می‌ماند و برای تثبیت جایگاه خود می‌جنگد اما انگار شایعه‌ها دست از سر او برنمی‌دارند، بخصوص انتقال جهانبخش به آژاکس که شاید یکی دو ماه دیگر رخ بدهد، اما علیرضا فعلاً تصمیم دیگری دارد. با این حال باشگاه آژاکس همچنان علاقه‌مند به انتقال علیرضا جهانبخش است. این باشگاه که فصل گذشته قهرمان لیگ هلند شد، طرح قابل‌توجهی را برای نهایی شدن این انتقال در نظر گرفته که شامل زکریا لبیز هم می‌شود. بر این اساس آژاکس برای کاهش هزینه مالی انتقال جهانبخش حاضر است علاوه بر پرداخت قیمت مورد توافق با برایتون، زکریا لبیز هافبک هجومی‌اش را هم به این تیم انگلیسی بدهد. باید ببینیم در نهایت چه سرنوشتی در انتظار جهانبخش، طارمی و سردار آزمون خواهد بود؛ ستاره‌هایی که با انتقال‌شان به هر لیگی می‌توانند توجه فوتبال ایران را به آن کشور معطوف کنند و البته نماینده‌های پرافتخاری نیز باشند.

رکوردهایی که در شب قهرمانی خراب شد

قهرمان زودهنگام نوزدهمین دوره لیگ برتر، نتوانست از پس تیم پایین جدولی ذوب آهن بربیاید و مقابل شاگردان لوکا بوناچیچ شکست خورد. در تنها دیدار روز جمعه، پرسپولیس در ورزشگاه آزادی پذیرای ذوب آهن بود. با توجه به آمادگی بالای سرخپوشان و حضور ذوب آهن در رتبه های پایین جدول، انتظار می رفت شاگردان گل محمدی بتوانند همچون تمام دیدارهای قبلی، حریف خود را شکست دهند ولی این دیدار برخلاف انتظار عمومی پیش رفت و این اصفهانی ها بودند که توانستند پنجمین شکست فصل را به پرسپولیس تحمیل کنند. در شبی که همه عوامل بیرونی در صدد برگزاری جشن قهرمانی پرسپولیس بودند، سرخپوشان در این دیدار چندین رکورد خوبی که در اختیار داشتند را از دست دادند و بر تعداد چند رکورد منفی خود در این فصل، افزودند. آخرین بار و در زمان سرمربیگری یحیی گل محمدی در ذوب آهن بود که اصفهانی ها توانستند پرسپولیس را در تهران شکست دهند. شاگردان بوناچیچ بالاخره پس از ۴ سال و ۱۱ ماه و ۱۹ روز موفق شدند در ورزشگاه آزادی از سد پرسپولیس بگذرند. پرسپولیس آخرین بار در هفته یازدهم لیگ برتر و در ورزشگاه آزادی با یک گل مغلوب نفت مسجد سلیمان شد. آن دیدار در تاریخ اول آذر ۹۸ برگزار شد و حالا سرخپوشان پس از ۲۶۰ روز در لیگ برتر طعم تلخ شکست را چشیدند.رکورد طولانی ترین شکست ناپذیری تاریخ لیگ برتر در اختیار سپاهان است. سپاهان در لیگ دهم با هدایت قلعه‌نویی در هفته هفتم ۳-۴ به استقلال باخت و دیگر تا شکست ۳-۲ مقابل مس کرمان در هفته بیست و نهم هیچ شکستی را تجربه نکرد تا ۲۱ بازی بدون شکست برای این تیم ثبت شود. سرخپوشان مصمم بودن تا پایان لیگ امسال شکستی را تجربه نکنند و در فصل بعد نیز به آمار خود اضافه کنند تا از رکورد سپاهان عبور کنند که یان امر میسر نشد. پرسپولیس پس از آخرین شکستش مقابل نفت مسجدسلیمان، در ۱۵ دیدار متوالی گلزنی کرد و با رکورد امسال استقلال مساوی شد. آبی های پایتخت در حد فاصل هفته ی پنجم لیگ برتر و دیدار با ذوب آهن تا هفته ی بیستم و دیدار برگشت مقابل همین تیم ذوب آهن، در تمامی مسابقات خود موفق شدند حداقل یکبار دروازه ی حریفان را باز کنند. چنانچه پرسپولیس موفق می شد مقابل ذوب آهن به گل برسد، رکورد این فصل استقلال را می شکست که این امر میسر نشد. البته باید این نکته را متذکر شد که دیدار برگشت سپاهان و پرسپولیس که با رای کمیته انضباطی ۳ بر صفر به سود سرخپوشان اعلام شد، در این آمار محاسبه نشده است و گلهایی که در جریان بازی به ثمر رسیده مدنظر است.